

بازنمایی و ذهنیت‌ها:

تحلیلی از زندگی روزمره دانش‌آموزان در مدارس تهران

محمد رضایی*

چکیده

براساس اسناد و بخش‌نامه‌های موجود، نظام آموزش و پرورش ایران درصد پرورش نوع خاصی از سوزده‌های سیاسی و مذهبی است. در این مقاله سعی شد تا نحوه حضور نهادی ایدئولوژیک نظیر آموزش و پرورش در مدارس و خلاقیت دانش‌آموزان در مصرف فضای ایدئولوژیک آن بررسی شود. بر اساس یافته‌های این تحقیق که به شیوه کیفی در مدارس دولتی و پسرانه منطقه دوازده و منطقه یک تهران انجام شده به نظر می‌رسد که عدم انطباق دو سطح تولید پیام‌های ایدئولوژیک و سطح مصرف یا رمزگشایی پیام‌ها وجه مسلط رابطه میان نهاد مدرسه و مخاطبان آن است. وضعیت یاد شده محصول دو پدیده مقاومت یا بی‌اعتنایی دانش‌آموزان نسبت به پیام‌های ایدئولوژیک در مدرسه است. در اینجا گفتمان سیاسی - مذهبی حاکم، گفتمانی ناکارآمد و گاه در نزاع گفتمانی عرصه را به گفتمان‌های رقیب واگذار نموده است.

واژگان کلیدی: بازنمایی، زندگی روزمره، دانش‌آموزان، هژمونی، ذهنیت و ایدئولوژی.

مقدمه

نظام آموزش و پرورش در ایران مانند همه نظام‌های تعلیم و تربیت به دنبال تکوین ذهنیت‌های خاصی است که ارزش‌ها و باورهای مقوم مناسبات موجود قدرت را بازتولید کند. این نظام دستورالعمل‌های مشخصی دارد که در صدد پرورش نوع خاصی از سوژه‌های مذهبی و سیاسی است که علاوه بر کسب اخلاق اسلامی و پایبندی به شعائر آن، نظام سیاسی متناسب با دیدگاهی را بپذیرد که مبتنی بر اصل ولایت فقیه است. از این رو، قانون اهداف نظام آموزش و پرورش، متکی بر اصل محوری کمال‌نهایی انسان تنظیم شده است که براساس آن هدف‌نهایی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی رسیدن به قرب الهی است (مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۲).

در واقع، از زمانی که فرمان تاریخی رهبر فقید انقلاب مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر شد^۱ تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا نظام آموزش و پرورش از تمام شائبه‌های نظام «طاغوت» رها شود (گزارش ستاد انقلاب فرهنگی از ۲۲ خرداد ۱۳۵۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۶۲). از این رو، آموزش و پرورش دغدغه‌های خود را به شکلی مشخص، البته پس از سال‌ها تأخیر، در قالب اهداف و دستورالعمل‌های پرورشی به تمام مدارس ابلاغ کرده است. به علاوه، هر ساله قبل از فرا رسیدن روزهای خاص که به ایام... معروفند سازمان نسبت به یادآوری وظایف مدارس اقدام می‌کند. بخشنامه‌های مربوط به گرامیداشت هفته دفاع مقدس، روز هشتم آبان (سالروز شهادت حسین فهمیده)، سیزده آبان (روز دانش‌آموز) برخی از دستورالعمل‌های یاد شده است. ظاهراً، سازمان آموزش و پرورش در سطح تولید پیام‌های پرورشی لازم برای مدارس به حد کافی کوشاست. این موضوع تمامی شرح وظایف مدیران مدرسه را دربر می‌گیرد و در بخشنامه‌ای که ابتدای سال برای مدیران ارسال می‌شود به خوبی منعکس شده است.

اهداف و دستورالعمل‌های پرورشی چند پیام مهم سیاسی و مذهبی را در سطح گفتمانی

برجسته می‌سازند:

- تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش‌آموزان
- رشد فضائل اخلاقی و تزکیه دانش‌آموزان برپایه تعالیم عالی‌ه اسلام
- تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان براساس آنها
- تقویت روحیه اتکال به خدا و اعتماد به نفس
- ایجاد روحیه تعبد دینی و التزام عملی به احکام اسلامی

۱. این فرمان در تاریخ ۲۹ رجب ۱۴۰۰ - ۲۲ خرداد ۱۳۵۹ صادر شده است.

- ارتقاء بینش سیاسی براساس اصل ولایت فقیه
- ایجاد زمینه‌های لازم برای حفظ و تداوم استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی
- رشد و تقویت روحیه عدالت‌پذیری و عدالت گستری و ظلم ستیزی و مبارزه با تبعیضات ناروا و حمایت از مظلومین و مستضعفین (طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۷).

نماز جماعت، زیارت عاشورا، مجالس قرآن، برنامه‌های صبحگاه، اردوها و برگزاری مناسبت‌های سیاسی و مذهبی، برخی از کردارهای ایدئولوژیک مدرسه برای حصول به اهداف یاد شده‌اند. در مورد برخی از این کردارها نظیر برگزاری نماز جماعت، سازمان آموزش و پرورش تأکیدات بیشتری دارد. در واقع، آموزش و پرورش به دنبال آن است تا از رهگذر پرورش مدرسه‌ای انسانی/اسلامی را بیرواند.^۱

به این ترتیب، در ایران مدرسه نظامی کاملاً ایدئولوژیک محسوب می‌شود. نخست آن که مجموعه‌ای از تصورات، مفاهیم و قضایایی را در بر می‌گیرد که چارچوب‌های لازم برای تفسیر، فهم و معنادگی به برخی از جنبه‌های حیات اجتماعی را فراهم می‌سازد. دوم، نظام مدرسه نه فقط به واسطه باورهایی خاص بلکه از رهگذر تلاش‌های عملی برای نهادینه ساختن آن باورها نیز متمایز می‌شود. کارکرد چنین تلاشی حفظ برخی روابط و مناسبات موجود قدرت است. مجموعه مفاهیم و باورها در نظام آموزش و پرورش به روشنی درصدد حاکم ساختن مناسبات خاصی است. بار ایدئولوژیک این مفاهیم آن قدر روشن و واضح اند که پیش فرض برخی تعاریف ایدئولوژی مبنی بر پنهان کاری و فریب موجود در ایدئولوژی را نقض می‌کند.

اما، این سوالی مهم و درخور توجه است که اولاً، علی‌رغم تلاش ایدئولوژیک در سطح وزارت آموزش و پرورش، حضور پیام‌های ایدئولوژیک سازمان در سطح مدارس چگونه است؟ و دوماً، دانش‌آموزان چگونه این پیام‌ها را در زندگی روزمره خود در مدارس مصرف می‌کنند؟

۱. اهمیت مدرسه در ساخت انسان اسلامی در گفتار بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی به خوبی پیداست: همه سعادت‌ها و شقاوت‌ها انگیزه‌اش از مدرسه‌هاست و کلیدش دست معلمین است. باید معلمین توجه داشته باشند. اولاً به شغل شریفشان که شغل انبیاست و ثانیاً به مسؤولیت خودشان که همان مسؤولیت انبیاست (صحیفه نور، جلد ۶، ص ۲۳۷).

پیام‌های ایدئولوژیک و مصرف فعالانه

از آنچه گفته شد ظاهراً چنین پیداست که آموزش و پرورش در ایران به تعبیر آلتوسر (۱۹۷۱) دستگامی ایدئولوژیک و موفق است. اما بر خلاف رویکرد آلتوسر به نظر می‌رسد که مرحله‌ای که ما از آن به «برهه تولید رمزگان ایدئولوژیک» یاد می‌کنیم چندان برای تضمین مصرف پیام‌های ایدئولوژیک، کفایت نمی‌کند. این برهه یادآور تعبیر میشل دوسرتو از استراتژی است:

من استراتژی را نظامی از عناصر^۱ مناسبات قدرت می‌خوانم که زمانی ممکن می‌شود که سوژه اراده و قدرت (مالک، یک موسسه، یک شهر، یک نهاد علمی) را بتوان از یک «محیط» متمایز کرد. یک استراتژی مکانی را مفروض می‌گیرد که می‌تواند بخشی از متعلقات^۲ تلقی شده و به این ترتیب، می‌تواند پایه‌ای برای روابط با یک امر بیرونی جدا از آن باشد (رقبا، مشتریان، حومه اطراف شهر، دشمنان، اهداف و موضوعات تحقیق). عقلانیت علمی، سیاسی و اقتصادی از قبل بر مبنای چنین مدلی استراتژیک بر ساخته می‌شوند (دوسرتو ۱۹۹۸: ۴۸۹).

اما، مصرف برهه دیگری است که بدون اشاره به آن نمی‌توان کل فرایند رمزگذاری و رمزگشایی گفتمان مدرسه‌ای را مورد مطالعه قرار داد. اساساً، مصرف یا استفاده هر محصول فرهنگی متضمن نوعی استحاله است. در واقع، کاربران (در اینجا دانش‌آموزان) در مواجهه با فضاهای مختلف نظیر مدرسه و عناصر گفتمانی آن دست به نوعی تولید می‌زنند. دوسرتو این عمل را نوعی بوطیقا می‌خواند (۱۹۹۸: ۴۸۴). اما این بوطیقا یا تولید، امری پنهان و پوشیده است. زیرا، در مکانی که نظام تولید رسمی، تعریف و اشغال کرده پراکنده شده است. تلویزیون، فضای شهری، مدرسه، بازار و ... بخشی از این نظام هستند. گسترش این نظام جایی برای مصرف کنندگان باقی نگذاشته تا بتوانند نشان دهند که چه می‌کنند و یا چه بر سر محصولات این نظام‌ها می‌آورند.

مصرف، تولیدی دیگر است که فرینده تولید متمرکز، عقلانی، انبوه، چشمگیر، شگفت‌انگیز نظام‌های تولید است. مصرف، عملی پیچیده، پراکنده و پخش است [که] خود را در همه جا منتشر می‌کند؛ بی‌صدا و اغلب نامریی است، چون خودش را [برخلاف نظام متمرکز تولید] از رهگذر محصولاتش آشکار نمی‌سازد بلکه، از طریق روش‌های استفاده/ش از محصولاتی که نظم اقتصادی مسلط بر آن تحمیل می‌کند آشکار می‌شود (دوسرتو ۱۹۹۸: ۴۸۴).

جدایی دو برههٔ رمزگذاری (تولید) و رمزگشایی (مصرف) . گفتمان مدرسه‌ای بر نظریه‌های بسیاری در مطالعات فرهنگی مبتنی است که نظریه استوارت هال (۱۳۸۲) یکی از مهمترین آنها است. بر اساس این نظریه‌ها در مورد همهٔ نظام‌های ایدئولوژیک اعم از این که آشکارا، نظامی تبلیغاتی باشند یا دستگامی به ظاهر بی‌طرف و متعلق به جامعهٔ مدنی اصل بنیانی آن است که همهٔ این دستگاه‌ها وابسته به سازوکارهایی‌اند که نظام معانی و پیام‌های تولید شده را در دسترس مخاطبان خود قرار داده و تلاش می‌کنند تا درونی شدن آنها را تضمین نمایند. تا آن جایی که به نظام آموزش و پرورش برمی‌گردد تجربهٔ زیستهٔ دانش‌آموزان در مدارس اهمیت بالایی در تحلیل سازوکار درونی شدن پیام‌های پرورشی در مدارس دارد. در واقع، بر اساس آموزه‌های مطالعات فرهنگی، نمی‌توان تولید پیام‌ها را معادل مصرف مورد انتظار قلمداد کرد. توجه به مصرف به جای (یا در کنار) تولید پیام امری است که در سنت مطالعات فرهنگی در تحلیل رابطهٔ فرهنگ عامه^۱ و مخاطبان آن مورد توجه بنیاد واقع شده است. در واقع، چنین درکی از مفهوم فرهنگ عامه به معنای تغییر بنیادی در سوال اساسی و رایج در تحلیل فرهنگ است. بر اساس شکل رایج تحلیل‌های انتقادی از فرهنگ، تصور بر این است که صنعت فرهنگ مردم را به گونه‌ای به کالاها وابسته می‌سازد که مصرف آنها را به نحوی دلخواه تضمین می‌نماید. دقیق‌ترین نسخهٔ چنین رویکردی را می‌توان در نظریه‌های مکتب فرانکفورت (نگاه کنید به آدورنو و هورکهایمر، ۱۳۸۴؛ مارکوزه، ۱۳۵۹)، مارکسیسم ساختاری آلتوسر (نگاه کنید به آلتوسر ۱۹۷۱) و برخی رویکردهای موسوم به فمینیسم یافت. بر خلاف چنین رویکردی به فرهنگ و رابطهٔ آن با ذهنیت مخاطبان، تحلیل‌هایی که مفهوم مصرف را در مرکز مطالعات خود قرار دادند سؤال رایج را به نحوی دیگر مطرح می‌کنند و به این موضوع می‌پردازند که مردم چگونه محصولات صنعت فرهنگ را در راستای منافع خود مصرف می‌کنند؟

رویکردهای اخیر، بر خلاف دیدگاه‌های رایج قبلی « امر عامه را امری سیاسی » تلقی می‌کنند. به دنبال چنین درکی، فرهنگ عامه جایگاه کشمکش و مجادلات بر سر ارزش‌های سیاسی، فرهنگی، معانی و لذت تلقی می‌گردد. به همین دلیل فرهنگ جایی است که جدال بر سر تضمین هژمونی فرهنگی در آنجا صورت می‌گیرد. همان طوری که گفته شد، نقطهٔ عطف

۱. شیوه‌های مختلفی برای تعریف فرهنگ عامه و نسبت آن با مخاطبان وجود دارد؛ استریناتی به نقل از هیدایز (۱۹۹۸) فرهنگ عامه را معادل چیزهایی می‌داند که «در مجموعه‌ای از بدایع ساخت بشر وجود دارند که به طور عمومی در دسترس اند: فیلم، نوار، موسیقی، پوشاک، برنامه‌های تلویزیونی، وسایل حمل و نقل و...» (استریناتی، ۱۳۸۰: ۱۸). اما بارکر (۲۰۰۲) فرهنگ عامه را معانی و کردارهایی تلقی می‌کند که توسط مخاطبان عامه در لحظهٔ مصرف تولید می‌شوند

چنین تغییر توجهی را می‌توان در مفهوم «چرخه (یا مدارهای) فرهنگ»^۱ استوارت هال دانست. در این مدل، هر یک از برهه‌ها شأنی نسبتاً مستقل دارند.^۲ از این روست که بحث مقاومت و احتمالاً بحران بازتولید ارزش‌ها توسط دستگاه‌های ایدئولوژیک نمودار می‌شود. بر اساس آموزه‌های استوارت هال می‌توان مقاومت را همان رمزگشایی‌های متفاوت از رمزگشایی مورد نظر تولیدکننده پیام ایدئولوژیک دانست. از این رو، به نظر می‌رسد که رمزگشایی پیام‌های ایدئولوژیک در مدارس امری ساده و یک سویه نیست بلکه امری پروبلماتیک بوده و تقارن سطوح معنایی ۱ (سطح تولید پیام) و سطح معنایی ۲ (سطح مصرف پیام‌ها) را از بین می‌برد (همچنین نگاه کنید به ترنر ۲۰۰۲: ۷۳-۷۶).

ایراد مدل استوارت هال آن است که بر عنصر معنا تأکید زیادی دارد. مواجهه مخاطبان با عناصر فرهنگ فقط از منظر دریافت یا طرد معنا موضوعیت ندارد. لذت، مفهوم دیگری است که در بحث فیسک (۱۹۹۶) و میشل دوسرتو (۱۹۸۴) اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در بحث فیسک چند معنایی و گشودگی متن فرهنگی، لذت‌های گوناگونی را تحریک و ارضاء می‌کند که خود می‌تواند منشاء مقاومت باشد. میشل دوسرتو یکی دیگر از مهمترین نظریه‌پردازان زندگی روزمره است که در آثار خود استعاره‌های زیادی را برای تحلیل مقاومت، تضاد و کشمکش مطرح ساخته است. استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها، جنگ چریکی^۳، تجاوز^۴، ترفندها و حيله‌های فریبکارانه^۵ برخی از اصطلاحاتی است که وی برای توصیف و تبیین زندگی روزمره به کار برده است. پیش فرض همه این اصطلاحات و استعارات این است که قوی‌ترها، سنگین، فاقد خلاقیت و به شدت سازمان یافته‌اند. در حالی که ضعیف‌ترها خلاق، منعطف، چابک و چالاک هستند. بنابراین، ضعیف‌ترها، تاکتیک‌های چریکی را علیه استراتژی‌های قدرتمندان بکار می‌بندند و متون و ساختارهای آنها را مورد تجاوز و تاخت و تاز خود قرار می‌دهند و دائماً به نظام حقه می‌زنند.

1.. Circuits of culture

2. موضع استوارت در تحلیل رابطه عناصر فرهنگی و ذهنیت مخاطبان متمایز از جریانی است که در سنت مطالعات فرهنگی به پوپولیسم فرهنگی معروف شده است. وجه بارز این سنت تأکید حاد بر برهه مصرف است. در واقع اگر نظریه پردازان انتقادی فرهنگ را بر روی محوری قرار دهیم، نظریه پردازان مکتب فرانکفورت در یک سر طیف و جریان پوپولیسم فرهنگی در سر دیگر آن قرار می‌گیرد. در این میان می‌توان نقد فرهنگی استوارت هال را قرار داد که سعی دارد تا برهه‌های تولید و مصرف را در تحلیل انتقادی فرهنگ مورد توجه قرار دهد بدون آن که به دامن جبرگرایی فرهنگی گروه اول و پوپولیسم جریان دوم گرفتار شود

3. Guerilla Warfare

4. Poaching

5. Guileful Ruses and Tricks

راه‌های بی‌شماری برای رو کردن و ناکام گذاشتن بازی دیگری ... وجود دارد که مشخصه مقاومت زیرکانه و سرسختانه گروه‌هایی است که به دلیل از دست دادن فضای‌شان، باید در شبکه‌های الزامات و بازنمودهای استقرار یافته از قبل، امورات خود را بگذرانند. مردم باید با این وضع سرکنند^۱ (دوسرتو ۱۹۸۴: ۱۸ به نقل از فیسک ۱۹۹۸: ۳۴).

این شیوه دور زدن نظم موجود و تثبیت شده، بخشی از پتانسیل‌های زندگی روزمره است. هایمور (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که این ویژگی سبب شده تا دوسرتو زندگی روزمره را دارای خصلتی کارناوالی بداند.^۲ به همین دلیل، مفهوم «گریز از نظام سلطه بدون ترک آن» در مرکز تحلیل‌های دوسرتو قرار گیرد. این وضعیت حاصل خلاقیت زندگی روزمره در به کار بستن «هنر همزیستی»^۳ با نظام مستقر و در عین حال، استفاده از محصولات آن برای مقاصد خویش است. هیچ جایی خارج از قلمرو سلطه وجود ندارد: قوی‌ترها «مکان‌هایی»^۴ را شکل می‌دهند که قدرتشان را اعمال کنند. شهرها، مراکز خرید، مدارس، محل‌های کار و حتی خانه‌ها از جمله این مکان‌ها هستند. به یک عبارت، ضعیف‌ترها قادر به ترک این اماکن نیستند. نظام سلطه، با تکیه بر این اماکن که در تمام فضاهای زندگی روزمره منتشر است استراتژی‌های خاص خود را پیاده می‌کند.

مکان‌های مورد نظر دوسرتو مشحون از شیوه‌های مناسب، آداب، رسوم و قواعد مناسب رفتارند. چنین جاهایی اشباع از رژیم‌های کنش‌های شایسته و بجاست. استراتژی اقویا این

۱. Making Do With و Make With دو عبارت مهم در بحث دوسرتو هستند. تدبیر موقت، سر کردن، گذراندن، کنار آمدن از جمله معادل‌هایی است که در این متن مواقع مختلف از آن‌ها استفاده شده است. به طور کلی این اصطلاحات بر وضعیتی اشاره دارد که مردم مجبور به سازگاری خلاقانه و توأم با دستکاری شرایطی هستند که در پیدایش آن دخالتی نداشته‌اند. کاربرد اصطلاحاتی مثل سازگاری (Adaptation)، دستکاری یا دخل و تصرف (Manipulation) و حقه و فریبکاری (Trickery) این موضوع را به خوبی روشن می‌سازد. دوسرتو دائماً تأکید می‌کند که مردم باید با آنچه که در اختیار دارند سرکنند. به همین دلیل، زندگی روزمره هنر گذراندن امور یا هنر سر کردن است.

۲. از این منظر هایمور پروژه دوسرتو را تکمله طرح نظری لفور (Lefebvre) می‌داند (۱۹۹۰: ۲۰۰۲). ظاهراً، دوسرتو تأکید بیشتری بر مقاومت بوطیقای (Poetics) زندگی روزمره در برابر حمله و هجمه کلی نثر (Prose) مدرنیته به تعبیر لفور دارد. به نظر لفور، وجه تمایز مدرنیته نوعی از خود بیگانگی است که نه فقط در محل کار بلکه در خود زندگی روزمره رخنه کرده است. به طوری که زندگی روزمره مدرنیته سرمایه‌داری به طرز کسل‌کننده‌ای قاعد هرگونه سبک است. این بی‌سبکی حاصل غلبه مدهای پیش پا افتاده و بی‌روحی است که تمایز میان نثر و شعر زندگی روزمره را از بین برده است. تأکید دوسرتو بر شعر زندگی روزمره بیش از لفور که نثر زندگی مدرن را تحلیل می‌کند سبب شد تا دوسرتو بتواند بر مقاومت حاصل خلاقیت زندگی روزمره تأکید بیشتری داشته باشد. در مورد مقایسه لفور و دوسرتو نگاه کنید به فیسک ۱۹۹۸، هایمور ۲۰۰۲. همچنین برای بحثی مفصل‌تر درباره لفور و سایر نظریه پردازان زندگی روزمره نگاه کنید به هاله لاجوردی (۱۳۸۲) بازنمایی زندگی روزمره در سینما [رساله دکتری]، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

است که این اماکن و کالاهایی که پارامترهای تشکیل دهنده زندگی روزمره‌اند را در اختیار و کنترل خود درآورند. اما، مردم در جریان زندگی روزمره، این اماکن را از طریق تاکتیک‌های خود، به طور موقت، تا زمانی که به آن نیاز دارند تحت اشغال خود در می‌آورند. دوسرتو، کاربران را مانند چریک‌هایی می‌داند که در داخل این اماکن حرکت می‌کنند و آنها را به فضای^۱ خودشان تبدیل می‌کنند. در مقابل استراتژی و مکان قوی‌ترها، ضعیف‌ترها یا همان مردم، در جریان زندگی روزمره، تاکتیک‌ها و فضای خودشان را ایجاد می‌کنند.

من ... «تاکتیک» را نظامی از عناصر مرتبط می‌نامم که نه می‌تواند امیدی به یک proper (مکانیتی فضایی یا نهادی) داشته باشد و نه به این ترتیب، دل به مرزهای مشخصی ببندد که آن را از دیگری به منزله کلیتی مرئی و قابل مشاهده جدا سازد. تاکتیک در مکانی که به دیگری تعلق دارد به نحوی پراکنده و بی‌آن که آن را به تصرف خود درآورد، رخنه می‌کند. تاکتیک مبنایی در اختیار ندارد که از طریق آن منافع خود را دنبال کند، خود را بسط دهد و استقلال خود را از شرایط حفظ کند. Proper پیروزی فضاست بر زمان. در مقابل، از آن جا که تاکتیک مکانی از خود ندارد، وابسته به زمان است. از این رو، تاکتیک همیشه مترصد فرصت‌هایی است که اقدام کند. هر چیزی را که تاکتیک بدست می‌آورد نگه نمی‌دارد. تاکتیک باید دائماً رویدادها را دستکاری کرده تا آنها را به فرصت‌هایی تبدیل کند (دوسرتو ۱۹۹۸: ۴۸۹).

تاکتیک‌ها همان خلاقیت‌های زندگی روزمره‌اند که مترصد شکاف‌ها و لحظاتی در نظام یکپارچه قدرت و سلطه انضباطی‌اند تا به آن حمله برده و در آن نفوذ کنند. به عقیده دوسرتو اغلب کردارهای زندگی روزمره نظیر صحبت کردن، خواندن، خرید، آشپزی و ... خصیلتی تاکتیکی دارند. این کردارها شیوه‌های عمل‌اند که شاعرانه، خلاقانه، توأم با رنگ عوض کردن‌ها و دست‌انداختن‌های نشاط‌آور هستند. این روش‌ها را که یونانی‌ها *metis* می‌نامیدند از منطقی برخوردار است که در عالم حیوانی و گیاهی تا خیابان‌های شهرهای مدرن دیده می‌شود.^۲

دوسرتو با طرح مفاهیمی نظیر استراتژی و تاکتیک هم زمان، به تحلیل تلاش نظام‌های تعریف شده، انضباطی و منتشر قدرت برای سلطه و به انقیاد کشاندن مردم و مقاومت مردم عادی در برابر این نظام می‌پردازد. وی در تحلیل نظام سلطه، خود را وامدار آثار فوکو به ویژه

۱. Space . . .

۲. شهر از دید دوسرتو متنی است که خیابان‌های فضاهایی مجاز برای تولید معانی‌اند. دوسرتو راه رفتن در شهر را کرداری تولیدکننده و خلاقانه متنی معنادار تلقی می‌کند. البته این تولید در چارچوبی از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد. عنصر محوری بحث وی در این مقاله، مقاومت است. از این رو تا حدی در مقابل تکنیک‌های خرد انضباطی است که فوکو در آثارش بر آن تأکید داشته است. نگاه کنید به؛ میشل دوسرتو (۱۳۸۲)؛ قدم زدن در شهر؛ ترجمه شهریار وقفی پور در سایمن دورینگ (ویراستار)، *مطالعات فرهنگی*، تهران: انتشارات آینده پویان.

مراقبت و تنبیه (۱۳۷۸) می‌داند. به نظر دوسرتو، فوکو در این اثر به تحلیل دستگاه‌های اعمال قدرت یا به عبارت دیگر، نهادهای قانونی - حقوقی سرکوب نمی‌پردازد بلکه، ساز و کارهایی را تحلیل می‌کند که توان این نهادها را از رمق انداخته و به طور مخفیانه عملکرد قدرت را دوباره سازماندهی می‌کنند. دوسرتو مانند فوکو قدرت این دستگاه را زایا و مولد می‌داند. هر چند که قدرت از نوع سرکوب‌گر آن را در دستگاه‌های آموزشی و نقاط دیگر منکر نمی‌شود.

اگر این درست باشد که شبکه نظارت همه جا گسترده و پهن است پس، فهم نحوه مقاومت در برابر این انضباط و نظارت یا به عبارت دیگر، درک فرایندها و رویه‌های عامه و مردمی برای دستکاری نظام انضباطی اهمیتی اساسی دارد. دوسرتو به فرایندهایی توجه دارد که مردم با استفاده از آنها با نظم موجود کنار می‌آیند فقط با این امید که از آن بگریزند. این «شیوه‌های عمل» کردارهای بی‌شماری را ایجاد می‌کند که به وسیله آنها کاربران، مکان‌های نظام مستقر را به فضای دلخواه خود تبدیل می‌سازند و آن را به خود اختصاص می‌دهند. دوسرتو با طرح «شیوه‌های عمل» موضوعاتی را مطرح می‌سازد که مبنای شباهت و تفاوت وی با فوکو هستند. او همانند فوکو به دنبال درک و تحلیل عملکردهایی است که مانند میکروپها در ساختار تکنوکراتیک رسمی منتشر می‌شوند و کارکردها و عملکردهای نظام را به واسطه تاکتیک‌های چندگانه‌ای که در جزئیات زندگی روزمره قرار گرفته‌اند دگرگون می‌سازند (دوسرتو ۱۹۹۸ : ۴۸۶). اما، تفاوت دو سرتو با فوکو در این است که دوسرتو هدف تحلیل خود را توضیح این نکته نمی‌داند که چگونه شدت نظم به تکنولوژی انضباطی تبدیل می‌شود بلکه، هدف وی پرداختن به اشکال مخفیانه خلاقیت موقتی، تاکتیکی و پراکنده گروه‌ها یا افرادی است که از قبل در شبکه‌ای انضباطی گرفتار شدند. این رویه‌ها و ترفندهای کاربران، شبکه‌ای ضد انضباطی^۱ را شکل می‌دهد.

روش تحقیق

این تحقیق به شیوه مورد پژوهی یا پژوهش موردی از نوع مطالعه موردی آبرازی^۲ انجام شده است. از آنجا که در این تحقیق چند مورد تحت مطالعه قرار گرفته است می‌توان آن را در ردیف پژوهش‌های موردی جمعی^۳ قرار داد (استیک ۱۹۹۴). انتظار می‌رود که از بین مدارس متنوعی که در نظام آموزش و پرورش فعال‌اند احتمالاً مدارس عادی - دولتی

1. Anti-Discipline

2. Instrumental Case Study

3. Collective Case Study

بیشترین نقش را در تقویت ارزش‌های مورد نظر حکومت ایفا کنند. از این رو، دبیرستان‌های پسرانه، روزانه، شیفت صبح عادی - دولتی ترجیح داده شدند.^۱ این تحقیق بر مطالعه مدارس منطقه دوازده متمرکز است. اما، یک دبیرستان در منطقه یک نیز به جمع موارد مطالعه در این تحقیق اضافه شده است. چهار دبیرستان شهید احمد پور (منطقه یک واقع در ولنجک)، برادران شهید همت علی (منطقه دوازده واقع در میدان شوش)، شهید باهنر (منطقه دوازده، خ. جمهوری) و شهید رجایی (منطقه دوازده واقع در میدان شهدا) مواردی هستند که از بین مدارس عادی - دولتی برای این تحقیق انتخاب شده‌اند.

در شهر تهران مدارس وجود دارد که از حیث آموزشی و علمی بسیار خاص تلقی می‌شوند. تقریباً تمام این مدارس از نوع غیر انتفاعی یا وابسته به یکی از نهادهای دولتی‌اند. گرچه در هیچ جایی رسماً تعلقات ایدئولوژیکی این مدارس عنوان نشده ولی در بین افرادی نظیر مدیران، این تقسیم‌بندی رایج است. حداقل به لحاظ نظری این پیش فرض وجود دارد که در این مدارس احتمالاً فعالیت‌های منسجمی برای شکل‌دهی به ذهنیت دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. از این حیث می‌توان آنها را دستگاه‌هایی ایدئولوژیک تلقی کرد. یکی از این مدارس، دبیرستان شهدای مؤتلفه است^۲ که به شیوه غیر انتفاعی اداره می‌شود. برای آن که در این تحقیق امکان بیشتری برای مقایسه فراهم شود دبیرستان یاد شده هم در فهرست موارد تحقیق قرار گرفته است. بنابراین، در فهرست موارد تحت مطالعه در این تحقیق مدارس از مناطق بالا، پائین، متوسط، نسبتاً سیاسی و مدرسه غیر انتفاعی با تاکید علمی - آموزشی و پرورشی - ایدئولوژیکی قرار دارد.

رویه‌ها و عناصر گفتمان مدرسه در سطح تولید

بازنمایی ارزش‌ها و پیام‌های آموزشی و پرورشی از مجاری مختلفی صورت می‌گیرد. نوشته‌های ایدئولوژیک (دیوار/ کاغذ نوشته‌ها)، رویه‌ها و کردارهای روزمره ایدئولوژیک دو شکل برجسته‌ای است که از رهگذر آنها دانش‌آموزان با این پیام‌ها یا رمزگان ایدئولوژیک آشنا می‌گردند. در کنار این اشکال، به لحاظ نظری، می‌توان به نقش معلمان و سایر مسؤولان مدرسه اشاره کرد که البته میزان حضور و قدرت تأثیرگذاری آنها امری تجربی است.

۱. از همان ابتدا به دلیل محدودیت‌های موجود بر سر تحقیق در دبیرستان‌های دخترانه نظیر عدم مجوز برای محقق و عدم دسترسی به محققان زن و آشنا به مورد پژوهی، مدارس دخترانه از این چارچوب حذف شدند.

۲. مدارس رشد، امام خمینی، نیکان، انرژی اتمی، روزبه، کمال و... از جمله این مدارس‌اند که در مناطق مختلف تهران قرار دارند که البته تعداد آنها زیاد نیست.

گفتمان دیوار (دیوار نوشته‌ها)

کلیه فضاهای موجود در این مدارس^۱ مورد مشاهده قرار گرفت تا پیام‌های نوشتاری موجود در دیوار نوشته‌ها و کاغذ نوشته‌های روی دیوارها بیرون کشیده شود. دیوار نوشته‌های موجود در حیاط مدرسه از جمله نوشته‌های نسبتاً پایدار محسوب می‌شوند که چه بسا در سال‌های قبل نوشته شده باشند. در سایر موارد تشکلهای دانش‌آموزی، معاون امور پرورشی و مشاوران مدرسه عمده‌ترین عوامل مدرسه محسوب می‌شوند که نسبت به نصب کاغذ نوشته‌ها در فضای مدرسه اقدام می‌کنند.^۲ این نوشته‌ها بخشی از گفتمان مدرسه‌اند. بخش دیگر این گفتمان در قالب کردارها و رویه‌هایی است که در شکل فعالیت‌هایی نظیر برگزاری نماز جماعت یا مراسم صبحگاه نمودار می‌شود. نوشته‌ها در قالب پوستر، کاغذ نوشته، پارچه نوشته، دیوار نوشته، تابلو عکس و تابلو نوشته در معرض دید دانش‌آموزان قرار می‌گیرند.^۳

بیشتر پیام‌ها در نوشته‌های موجود در فضای مدارس چند کردار ایدئولوژیک را مرجع می‌سازند. نماز، قرآن و توجه به ائمه به ویژه امام حسین (ع) و امام زمان (عج) از معانی مسلط در این پیام‌ها هستند. به نظر می‌رسد که در این نوشته‌ها به طور مستقیم توجه چندانی به مسائل سیاسی نشده است. اما دو مقوله دیگر یعنی جبهه و جنگ و ذیل مقوله تصاویر به اموری پرداخته شده است که در راستای هژمونی نظام سیاسی موجود عمل می‌کنند. در مقوله جبهه و جنگ آن دسته از معانی را مشاهده می‌کنیم که ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج را پاس می‌دارند. در تصاویر، ابعاد سیاسی پیام‌ها مستقیماً بر شخصیت‌های سیاسی تأکید دارد. حضور تصاویر امام خمینی (ره) و مقام رهبری بسیار پررنگ است. به علاوه، تأکید بر مسئله قدس و مسجدالاقصی بعد دیگر تأکیدات سیاسی در گفتمان رسمی این مدارس را برجسته می‌سازد. از این رو، جز در چند مورد خاص، امام، رزمنده، شهادت، مسجدالاقصی و مقام رهبری مفاهیم اساسی و کانونی در این تصاویرند. از آنجایی که تقریباً کلیه پیام‌های نوشتاری غیر از اطلاعیه‌های مربوط به نظام اداری در این مدارس مطالعه شده است لذا، غیبت برخی مفاهیم و پیام‌ها معنادار است. به عنوان مثال، سخن از رعایت قانون، تقویت ابعاد ملی‌گرایی و

۱. هر چند که همه فضاهای موجود در مدارس مورد مشاهده قرار گرفته است اما در تحلیل اطلاعات این نوشته‌ها از مطالب و تصاویر یا پوسترهای موجود در نمازخانه‌ها صرف نظر شده است. چون در نمازخانه‌ها به طور یکتواختی پیام‌ها تکرار می‌شوند.

۲. البته در این فضا نوشته‌ها و اطلاعیه‌های دیگری هم دیده می‌شود که مربوط به کادر اداری مدرسه است و مخاطبان آنها هم معلمان و سایر کارکنان مدرسه‌اند. این نوشته‌ها بیشتر در اطاق دبیران دیده می‌شود.

۳. علاوه بر تنوع در نوع این نوشته‌ها مکان قرار گرفتن این نوشته‌ها در نقاط مختلف فضای مدرسه فرق دارند. اطاق مدیر، دفتر دبیران، اطاق معاونت‌ها، سالن‌ها، و به عبارت بهتر تمام نقاط مدرسه به غیر از نمازخانه و دبیرخانه یا اطاق دفتر دار مورد مشاهده دقیق قرار گرفته است.

حقوق شهروندی نیست. در این مدارس حتی پیام‌های مشاوره‌ای هم کم‌شمارند. در مورد پیام‌های ملی‌گرایانه برخی اوقات استدلال جالبی مطرح می‌شود.

ما اساساً ملی‌گرایی را محکوم می‌کنیم. حضرت امام خمینی ملی‌گرایی را نوعی نفاق و شرک می‌دانست. نباید ملی‌گرایی را در مدرسه تبلیغ کنیم این مثل نژاد پرستی است... ما باید نسبت به این مسئله حساس باشیم که... آیا قرائت قرآن داریم؟ آیا صبحگاه با نام خدا شروع می‌شود؟ دعای صحیح داریم؟... ما نباید کاری کنیم که پرچم جای قرآن را بگیرد. اهمیتی ندارد که پرچم باشد یا نباشد ولی قرآن باید باشد، ولایت باید باشد، ائمه و مقدسات باید باشند.» (بخشی از مصاحبه مدیر مدرسه احمدپور سند ۵۳۷).

جدول ۱: پیام‌ها و فراوانی آنها در بین نوشته‌های موجود در فضای مدرسه شهید رجایی (نمونه‌ای از مدرسه دولتی با پیام‌های پر شمار)

پیام‌های مذهبی	پیام‌های سیاسی	پیام‌های جبهه و جنگ	تصاویر	پراکنده
خرد مند از مشورت بی نیاز نیست (حضرت علی)، پارچه نوشته با عنوان یا حسین / رنگ و رو رفته / بالای ایخوری / قرآن بهار دل‌ها و سر چشمه دانش است (پرچم‌ها با رنگ سبز)	تابلوی امر به ورزش امر به معروف	داخل سالن / روی دیوارها / پرچم های تبلیغاتی / با تصاویر رزمندگان و شهدا، در ابعاد ۱۰*۱۵ مورد زیاد / اما غالباً پاره شده / با مضامین ذیل: من به شما عشق می‌ورزم (امام). کجا نید ای شهیدان خدایی زندگی زیباست اما شهادت از آن زیباتر است (شهید آوینی). ما چشم به روزی داریم که ملت های اسلامی پرچم اسلام را در دست بگیرند.	تصویری از مقام رهبری تصویری از امام و پرچم های کوچک کاغذی به دور آن کارت پستایی از قرآن و نمایی از مسجدنوبه شریفه اللهم شهر رمضان الذي فيه... تصویری از مقام رهبری تصویر روزی از امام و مقام رهبری دو تصویر بزرگ از امام و مقام رهبری سه بوستر عکس امام و مقام رهبری	۱۲ بوستر زیبای ۲۰*۳۰ رنگی تبلیغات سوگلا (کریستال) با این عبارت انگلیسی NORITAZEH SOGA JAPAN اطلاعیه های ورزشی (مسابقات دوومیدانی، بیسک پتنگ، هندبال و فوتبال)
پوستر ۵۰*۳۰ السلام علیک یا صاحب الزمان		کاغذ نوشته ای از رهبر انقلاب آرزو دارم بسیج مستضعفان تجلیگاه اخلاقی اسلامی و معاد گاه عاشقان خدا باشد	دیوار حیاط نقاشی آرنگ از طبیعت دریا و جنگل / نقاشی ها در حال از بین رفتن / تنها دیوار نوشته در معرض تخریب: آن چه ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ است	پوستر هشدار های نیروی انتظامی با مضامین، دینی، اخلاقی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی، خانوادگی
در فضیلت نماز...		پوستر های انتخابات شورای دانش فرماندهی بسیج دانش آموزی (۸۳/۸۲۱)	دکتر چمران در حال وضو	۱۲ بوستر تقویم سالانه با عکس‌هایی از طبیعت
ان الحسین مباح الهدی وسفینه النجات			تصویری از رجایی و باهنر (سیاه و سفید)	روز نامه دیواری دانش آموزی درباره اعتیاد
هر هفته شب های جمعه برنامه درس هایی از قرآن تابلوی خط نقاشی از آیه شریفه الله نور السموات والارض... و لا شرفیه ولا غریبه پارچه نوشته ای از آیه الکرسی در ابعاد ۳۰*۵۰ دو بوستر سلام بر مهدی	تابلوی یادبود چهارمین سالگرد ارتحال امام خمینی (۵۰*۶۰)	بسیجی یعنی...؛ بسیج در کلام ولایت تریک هفته بسیج حضور در بسیج ادای دین به انقلاب بر چسب‌هایی از جبهه و جنگ در اندازه‌های کوچک ولی به تعداد زیاد در تمام فضای مدرسه	تصویری از علامه طباطبایی (پوستر تبلیغات نشریه آینده سازان، نشریه جنبش دانش آموزی) تصویری از حضرت محمد در اندازه کارت پستال	پوستری از فیلم دول و اطلاعیه تخفیف بلیط نمایش فیلم در سینما

ادامهٔ جدول ۱: پیام‌ها و فراوانی آنها در بین نوشته‌های موجود در فضای مدرسه شهید رجایی

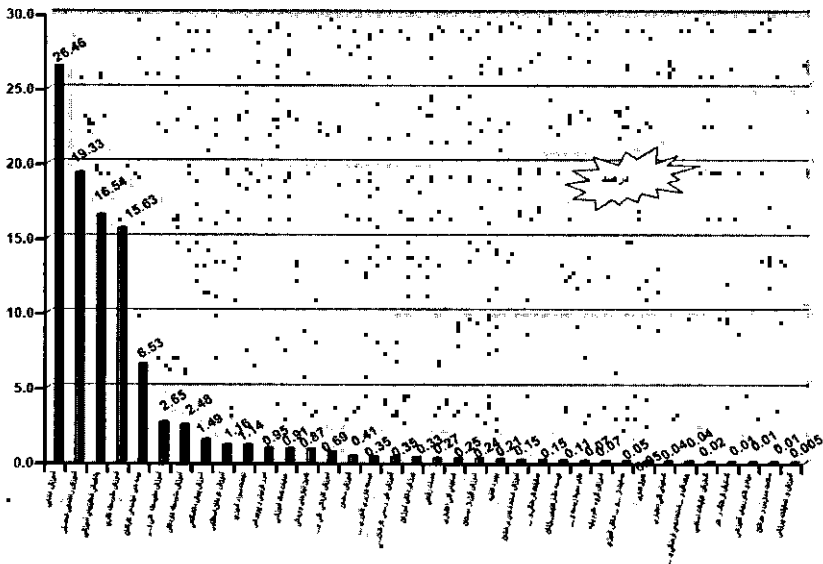
پیام‌های مذهبی	پیام‌های سیاسی	پیام‌های جبهه و جنگ	تصاویر	پراکنده
مسابقات قرآن (حفظ، قرآنت، مفاهیم)	پوستری از روز قدس با این مضمون:	دانش‌آموز، رشادت، جنگ، شهادت	تصویری از مقام رهبری در بالای صفحه روزنامه دیواری	پوستری از اولین جشنواره سراسری نشریات دانش‌آموزی
نماز خوشبو ترین شکوفه ایمان (رنگ سبز بر جسته)	روز قدس روز حیات اسلام است	لباس بسیجی رزمنده در حال نماز	پیشگامان، وابسته به بسیج دانش‌آموزی (شماره آذر ۸۲)	
		ترنم حضور بسیج در عرصه سازندگی	(الف)	
محفل انس با قرآن هر روز صبح از ساعت ۷:۱۵ تا ۷:۴۰	پوستری با این نوشته که "پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این مملکت آسیبی نرسد"	تصویر دانش‌آموزان بسیجی به همراه روحانیون	تصویری از امام در بالای صفحه روزنامه دیواری	مشاوران ما همدم لحظه‌های دشوار شماستند.
در محل نماز خانه (شورای دانش‌آموزی)	آسیبی نرسد"	پوستری از نابوت شهدا و دست‌هایی که به آنها چسبیده اند با این شعر:	پیشگامان، وابسته به بسیج دانش‌آموزی (شماره آذر ۸۲)	
		یاد عشاقی سمن سیمایم به خیر یاد مرغان فلک پیما به خیر	(الف)	
السلام علیک یا صاحب‌الزمان	داخل سطل کاغذ پر از دسته‌های دست نخورده پوستری‌های بسیج و آیه شریفه شهر والرمضان الذی انزل فیہ القرآن	داخِل سطل کاغذ پر از دسته‌های دست نخورده پوستری‌های بسیج و آیه شریفه شهر والرمضان الذی انزل فیہ القرآن	تصویری از امام	پوستر یاد یار مهربان
السلام علیک یا یقیه الله (۳)			پوستری از مسجدالاقصی با این آیه شریفه:	نمایشگاه اهدای کتاب و وسایل کمک آموزشی
			آن موعده هم الصبح ایس	پوستر هشدارهای نیروی انتظامی (دو عدد)
			الصبح بقریب (سوره هود آیه ۸۱)	

در سایر مدارس دولتی نیز محتوای پیام‌ها به شکل نسبتاً یکسانی در دسترس دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. ذکر چند نکته در مورد نحوه و میزان حضور این پیام‌ها اهمیت دارد. اول آن که، بار عمدهٔ مسؤلیت نشر و توزیع این پیام‌ها در مدارس دولتی مطالعه شده به دوش سازمان آموزش و پرورش نیست. در واقع، وضعیتی در اینجا حاکم است که یکی از ناسازگاری‌های گفتمان پرورشی نظام آموزش و پرورش را تحت عنوان «گسست میان سطح تولید و سطح مصرف پیام‌های ایدئولوژیک پرورشی» شکل داده است. در اینجا نهادهای انقلابی نظیر بسیج، نیروی انتظامی و موسسات و مراکز مذهبی فعال تر از سازمان رسمی آموزش و پرورش عمل می‌کنند. نکته قابل تامل آن است که سازمان آموزش و پرورش در سطح صدور دستورالعمل‌ها کوشاست اما در ارائه امکانات به مدارس و نظارت بر اجرای صحیح شیوه‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها اهمیتی ندارد.

دیگر آن که، مدیران مدرسه برای عدم انجام دقیق فعالیت‌های پرورشی در سطح مدارس مورد مطالعه دلایل مختلفی دارند. به عنوان مثال روزی که برای مصاحبه با مدیر مدرسه شهید احمدپور که در شمال تهران واقع شده است مراجعه کردم ۱۲ بهمن بود. برخلاف انتظار این روز تفاوتی با سایر روزها نداشت. تقریباً هیچ کاری در رابطه با مراسم دههٔ فجر صورت نگرفته بود. این درحالی است که مدیر در صحبت‌های خود بر این موضوع تأکید داشت که

سازمان آ.پ. نه فقط برای برگزاری این مراسم بلکه برای همه مراسم بخشنامه ارسال کرده و آنها را موظف می‌سازد که نسبت به این روزها در مدرسه حساس باشند. در این مدرسه مانند سایر مدارس دولتی مورد مطالعه به نظر نمی‌رسد که برنامه‌ای از قبل مشخص برای امور فوق برنامه و پرورشی در ابعاد سیاسی و مذهبی وجود داشته باشد. یک استدلال ساده برای بی‌توجهی به امر پرورش انقلابی آن است که در مدارس، بودجه‌ای مستقل و مطلوب را نمی‌توان به امور پرورشی اختصاص داد. به همین دلیل ساده « نمی‌توان مدرسه را با سیاست‌های مجلس و دولت اداره کرد» (بخشی از سخنان مدیر مدرسه احمدپور). از سخنان مدیر چنین پیداست که به شدت منتقد *ایدئولوژی تحصیل رایگان* در نظام آموزشی است. چون اساساً این فریبی بیش نیست که امکان تحصیل، به رایگان در اختیار همه وجود دارد. اول آنکه، در مدارس عملاً بابت هر کاری پول در خواست می‌شود و دوم این که نوعی نابرابری تحصیلی در حال شکل‌گیری است که هدف اولیه تحصیل رایگان یعنی برقراری عدالت آموزشی را به چالش می‌کشد. نبود بودجه کافی برای پرورش، امری واقعی در نظام آموزش و پرورش ایران است. یافته‌ها حاکی از آن است که به طور کلی فقط یک درصد از کل بودجه نظام آموزش و پرورش به طور مستقیم صرف فعالیت‌های پرورشی می‌گردد.

شماره هر یک از برنده‌ها از کل مبلغه اعتبارنامه هزینه ای وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۲



اگر مدیر، فقدان بودجه مناسب را بهانه‌ای برای عدم فعالیت‌های پرورشی در این مدرسه ذکر می‌کند در مورد فعالیت‌های سیاسی عذری دیگر دارد.

دلمان می‌خواهد که این کار را بکنیم، به دانش‌آموزان آگاهی سیاسی بدهیم و راه و چاه را به آنها نشان بدهیم ولی... در کشور ما سیاست به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را وارد مدرسه کرد. گروه‌ها دارند همدیگر را می‌خورند... بنابراین نمی‌توان ذهن دانش‌آموزی را که دارد درس می‌خواند مشغول ساخت. به این نتیجه رسیدیم که مناسب‌ترین راه آن است که به سیاست نپردازیم. اما در این مدرسه به مسائل کلی نظام نظیر مبارزه با استکبار جهانی و غیره پرداخته می‌شود (بخشی از مصاحبه با مدیر مدرسه احمد پور، سند ۵۳۷).

به طور کلی نحوه حضور پیام‌های ایدئولوژیک پرورشی در سطح مدارس نشان می‌دهد که برخلاف انتظار، مدارس دولتی مشاهده شده در این تحقیق، دستگاه ایدئولوژیک چندان فعالی محسوب نمی‌شوند. البته امکان‌های نظام ایدئولوژیک برای پراکندن سخن ایدئولوژیک منحصر به فضاهای مطالعه شده در این مدارس نیست. طبیعی است که کتاب‌ها و کلاس درس معلمان از جمله فضاهای دیگری‌اند که نظام مدرسه از آنها برای انتشار ایدئولوژی اسلامی می‌تواند استفاده کند. هرچند تحقیقات مختلف نشان از حضور متن ایدئولوژیک درسی دارند اما مطالعه روابط زنده حاکم بر زندگی روزمره مدارس حکایت از انفعال این متون دارد. در واقع، متن رسمی کتاب‌های درسی به دلایل مختلف فاقد کارایی لازم در انتشار پیام‌های ایدئولوژیک در مدارس‌اند. در مورد معلمان هم نمی‌توان آنها را عناصر اصلی گسترش ایدئولوژی اسلامی قلمداد کرد. اولاً، طرح جدایی دو معاونت آموزشی و پرورشی در مدارس به تقسیم کار غیر مولد منجر شده است. جدایی غیر واقعی امور تربیتی از امور آموزشی، معلمان را از دخالت در امور پرورشی معاف ساخته است. وانگهی، مشارکت معلمان تا آنجا که به مسائل سیاسی مربوط می‌شود تقریباً، طلب نمی‌شود. به عنوان مثال، در مدرسه شهدای موله معلمان در رابطه با فعالیت‌های مذهبی یا سیاسی، تقریباً غیر فعال‌اند. چون «آنها فرصتی برای این کار پیدا نمی‌کنند. ما توصیه به انجام یا عدم انجام آن نداریم. اما به آنها

۱. در این مورد نگاه کنید به: پیام‌های مندرج در کتب درسی دوره‌های تحصیلی (۷۹-۷۸)، معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس، ۱۳۷۸؛ اثباتی زینت، کاظمی عباس (۱۳۸۳) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از منظر ارزش‌های دینی، ملی و دفاع مقدس، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی؛ امیری، کیومرث (۱۳۷۸) تحلیل محتوای ارزش‌های معرفی شده در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان در سال‌های ۵۶-۱۳۵۲ و ۷۶-۱۳۷۲، پایان‌نامه فوق‌لیسانس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی؛ علانی محمد (۱۳۷۹) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات دینی جدید و قبلی سال اول متوسطه، پایان‌نامه فوق‌لیسانس، دانشگاه تربیت مدرس.

توصیه می‌کنیم که اگر لازم شد باید در چارچوب اهداف نظام موضع‌گیری کنند... از نظر گزینش معلمان هم صلاحیت علمی آنها کافی است و اینکه از نظر اخلاقی خبری منفی در اختیار نداشته باشیم» (مصاحبه با مدیر دبیرستان سند ۲۴۷).

انفعال معلمان در قبال مباحث سیاسی، ریشه در عدم اجماع بر سر عناصر گفتمانی دارد که در مدرسه می‌باید توسط مسؤلان و اولیای مدرسه منتشر شود. عموماً امر سیاسی در مدارس مشمول فعالیت‌هایی است که « جناح بازی » تلقی می‌شود و تقریباً تمامی مدیران با تکیه بر یکی از سخنرانی‌های مقام رهبری از آن اجتناب می‌کنند.^۱ دلیل دیگر عدم درگیری معلمان در انتشار سخن ایدئولوژیک مورد نظر حکومت به کارکرد اساسی نظام آموزش و پرورش در ایران برمی‌گردد. این نظام علی‌رغم خواسته‌های آشکار طراحان اولیه آن، دستگاهی در خدمت پرورش نیست بلکه در عمل ابزاری برای هدایت و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه‌هاست. هرچند در اسناد رسمی اشاره‌ای به شاخص ورود به دانشگاه‌ها برای سنجش عملکرد مدارس دیده نمی‌شود اما چه والدین و چه اولیای مدرسه مراقب این شاخص در اداره امور مدارس هستند.^۲ در واقع، داده‌های حاصل از سنجش شاخص‌های ارزیابی عملکرد پرورشی مدارس در نظام آموزش و پرورش یا وجود ندارد و یا احتمالاً دیرباب اند. این وضعیت حاصل غلبه گفتار موفقیت تحصیلی در سطح مدارس نسبتاً خوب و غلبه گفتمان نظم در مدارس با وضعیت‌های نامطلوب‌تر است.

هسته اصلی گفتمان موفقیت تحصیلی، نمره، قبولی پایان سال و قبولی در کنکور است. شاخص‌های مذکور ابعاد دوردست و نزدیک تحصیلی را شامل می‌شوند. در واقع گفتمان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را به منزله سوژه‌هایی فرا می‌خواند که باید از طریق قبولی در

۱. تلاش‌های محقق برای دسترسی به این متن به دلیل عدم اطلاع مدیران از نشانی دقیق این سخنرانی بی‌نتیجه ماند.

۲. لازم به ذکر است که در ذیل شاخص‌های برون‌داد نظام آموزش و پرورش به شاخص درصد دانش‌آموختگانی که بلافاصله بعد از اخذ دیپلم در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پذیرفته می‌شوند برای ارزیابی کل سیستم اشاره شده است (نگاه کنید به عملکرد اعتبارات هزینه‌ای وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۲، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پشتیبانی، دفتر بودجه و تشکیلات، واحد طرح و برنامه).

۳. به بیان بهتر، در این زمینه شاخص‌های فعالی وجود ندارد. سرانه فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی دانش‌آموزان (این شاخص از تقسیم اعتبارات جاری برنامه‌ها و ردیف‌های مربوط به کل دانش‌آموزان بدست می‌آید)، میزان شناخت دانش‌آموختگان از اصول و فروع دین اسلام به تفکیک دوره تحصیلی، جنسیت، شهر، روستا و استان، میزان شناخت دانش‌آموختگان از نوع نظام سیاسی کشور، میزان آگاهی سیاسی دانش‌آموختگان به تفکیک جنسیت، شهر-روستا و استان، و تأثیر آموزش و پرورش بر میزان شرکت در انتخابات (ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی) از یک سو و برخی شاخص‌های سخت‌افزاری نظیر درصد مدارس دارای نمازخانه مستقل، سرانه نمازخانه، سرانه زمین کانون‌های تربیتی، سرانه زیربنای کانون‌های تربیتی شاخص‌های سنجش عملکرد پرورشی در سطح مدارس اند (عملکرد اعتبارات هزینه‌ای وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۲، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پشتیبانی، دفتر بودجه و تشکیلات، واحد طرح و برنامه).

پایان سال، گام‌های اولیه موفقیت را برداشته و خود را برای امتحانی بزرگتر به نام کنکور آماده سازند: در وجه ادراکی، این گفتمان بر آموزه «آینده بهتر از رهگذر تحصیل بیشتر» تأکید دارد. رد این گفتمان در نهاد خانواده هم دیده می‌شود. در واقع دانش‌آموزان توأمان توسط گفتمانی مشترک از دو نهاد مختلف فراخوانده می‌شوند.

در مدارس نسبتاً مطلوب حتی گفتمان‌های دیگر موجود در مدرسه به ویژه گفتمان نظم، بخشی از مشروعیت خود را از این گفتمان می‌گیرند. به عنوان مثال، نظم و انضباط در مدرسه با این اصل اساسی توجیه می‌شود که «ما می‌خواهیم مناسباتی را حاکم کنیم که لطمه‌ای به درس خواندن دانش‌آموزان وارد نشود». از سوی دیگر، همان طور که گفته شد، به نظر می‌رسد سازمان آموزش و پرورش، مدارس دولتی را جز در قبال عملکردهای آموزشی، پاسخگو نمی‌بیند.

جدول ۲: برخی شاخص‌های سنجش کارآمدی در آموزش و پرورش

تاریخ تصویب	شاخص
۷۹/۱۰/۱۸	شاخص دسترسی به آ.پ.
۷۹/۱۰/۲۴	شاخص‌های اشتغال به تحصیل
۷۹/۱۱/۲۹	شاخص‌های کارایی درونی نظام آ.پ.
۷۹/۱۲/۲۸	شاخص‌های سواد آموزی
۸۰/۴/۱۶	شاخص‌های فضای آموزشی و پرورشی ^۱
۸۱/۳/۲۶	شاخص‌های ترکیب جمعیت دانش‌آموزی
۸۱/۳/۲۶	شاخص‌های نیروی انسانی
۸۱/۳/۲۶	شاخص‌های آ.پ. استثنایی

منبع: مجموعه مصوبات شورای عالی آ.پ. ۱۳۸۲

اشکال تابعیت / مقاومت دانش‌آموزان در مدرسه

عموماً در مدارس مقاومت حاد و مطلق دیده نمی‌شود. البته به ندرت چنین اتفاقاتی می‌افتد که دانش‌آموز برخی تابوهای مهم مدرسه را بشکنند. به عنوان مثال، بی‌حرمتی به

۱. فقط ذیل این شاخص، ژیر شاخص‌هایی نظیر درصد مدارس دارای نمازخانه مستقل، سرانه نمازخانه، سرانه کتابخانه یا مدارس دارای کتابخانه مستقل یا شاخص‌های فضای آموزشی خارج از مدرسه نظیر سرانه زمین اردوگاه و فضای ورزشی مطرح شده اند که همگی ابعاد کمی برخی امکانات فیزیکی لازم برای فعالیت‌های پرورشی را می‌سنجند. اما چنانچه گفته شد عملکرد مدارس بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی پرورشی به نحوی جدی مورد سنجش قرار نمی‌گیرد

معلم یا به عبارت دیگر کتک کاری با معلم نمونه‌ای از این موارد نادر محسوب می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی در مدرسه به اخراج دانش‌آموز از مدرسه یا حتی ترک تحصیل وی منجر می‌شود. اما در حالت عادی، رفتار دانش‌آموزان میان تابعیت و مقاومت در نوسان است. آنها در مدرسه به گونه‌ای خلاقانه عمل می‌کنند تا نقطه تعادلی را بیابند که هم خواسته‌های آنها را برآورده سازد و هم با نظم مستقر در مدرسه در تقابل مستقیم قرار نگیرد. اساساً سیاست زندگی روزمره دانش‌آموزان در مدرسه سیاستی رادیکال نیست. چنین سیاستی معطوف به گفت‌وگوها و مجادلات روزمره نابرابر قدرت در ساختار مدرسه است. به علاوه، در مورد برخی از رفتارها می‌توان گفت که دانش‌آموزان بیشتر تابع‌اند در حالی که در مورد برخی دیگر از رفتارها مقاومت بیشتری دیده می‌شود. بنابراین، دور از ذهن نیست که الگوی حاکم بر رفتارهای دانش‌آموزی را از نوع پیروی / مقاومت بدانیم. در شکل زیر نشان داده شده است که رفتارهای کاملاً مطیعانه از یک سو و رفتارهای کاملاً شورشی از سوی دیگر رفتارهایی معمول در بین دانش‌آموزان نیستند. در عوض، اکثر دانش‌آموزان، نظم مدرسه را به گونه‌ای که رضایت آنها را تأمین کند دچار استحاله کرده و در آن زندگی می‌کنند.

مقاومت

تابعیت توأم با مقاومت

رفتارهای تابع

مقاومت در برابر گفتمان تحصیلی و نظم گاه در قالب طفره رفتن و زایایی ظاهر می‌شود. زایایی معادل تولید معانی دلخواه، مربوط و کارکردی برای شرایط زندگی روزمره دانش‌آموز به هنگام خوانش متون و رویه‌های ایدئولوژیک مدرسه است. در واقع، دانش‌آموزان که فاقد قدرت رسمی در مدرسه اند با تولید معانی دلخواه خود در مقابل هویت‌ها و معانی مسلط مقاومت می‌کنند. نمونه بارز این شیوه مقاومت در کشمکش دائم اولیای مدرسه و دانش‌آموزان بر سر اندازه مو و نوع پوشش در مدرسه دیده می‌شود. استدلال اولیای مدرسه آن است که خود آرای دانش‌آموزان مانع از تمرکز آنها بر درس و تحصیل می‌شود. از این رو، بر ایدئولوژی پوشش ساده تأکید بسیار می‌شود. کشمکش دانش‌آموزان و اولیای مدرسه بر سر آن است که مدرسه می‌خواهد مو و پوشش را از مرکز توجهات دانش‌آموزی خارج سازد. در مقابل، دانش‌آموزان به دنبال روش‌هایی هستند تا در مدرسه به گونه‌ای زیست کنند که شیوه آرایش دلخواهانه موهایشان و نوع پوشش دلخواه خود را از دست ندهند. با وجود این، دانش‌آموزان هرگز حاضر نیستند که به خاطر مو و پوشش خود دائماً با مدرسه و به تبع آن با

اولیای خود درگیر شوند. بنابراین به دنبال تاکتیک‌هایی می‌گردند که استراتژی مدرسه را خنثی کنند.

مدرسه اصرار دارد که ما کچل کنیم. من رفتم آلمانی زد (مصاحبه با دانش‌آموز سند ۱۳۴)

ما هم می‌دونیم که در مدرسه نباید موها رو بلند کرد ولی اصرار مدرسه هم زیاد از حده. [موضوع] دیگه این است که ما در اندازه مو هم با مدرسه اختلاف داریم. ما کوتاه می‌کنیم نه آنقدر که نشه با اون هیچ کاری کرد. حداقل اندازه‌اش باید این قدر باشه که بشه تو پارتی‌ها یا مهمونی‌ها میکروبی کرد مدل سیخ سیخ. اصلاً ما مؤهامون رو طوری کوتاه می‌کنیم که بشه این کارها رو انجام داد. (مصاحبه با دانش‌آموز سند ۱۳۵).

نکته اساسی در بیان دانش‌آموزان این است که آنها تعریف مدرسه در باب خود آرائی را نمی‌پذیرند. اما این به معنای طرد کامل خواسته‌های مدرسه نیست. اساساً دانش‌آموزان می‌دانند که به هر تقدیر باید در فضای مدرسه به گونه‌ای زیست کنند که از کشمکش‌های بنیادی و پرهزینه پرهیز کنند. همان طوری که مشاهده شد آنها به واسطه خلاقیت‌های خود نقطه تعادل مقاومت و تبعیت را پیدا می‌کنند. این موضوع به خوبی در بیان آنها روشن است که به هر حال نمی‌توان نظم مدرسه را در نظر نداشت.

موی کوتاه و پوشش ساده، بخشی از ایدئولوژی رسمی مدرسه است که اتفاقاً دانش‌آموزان رمز آن را به شکلی کاملاً مخالف می‌گشایند. آنها اصطلاح «بچه مثبت» و مذهبی را برای کسانی به کار می‌برند که یکی از ویژگی‌های آنها آرایش مو و پوشش دلخواه مدرسه است. «مذهبی کسی است که پوشش خاصی داشته باشه، ریش بگذاره، یقه ببنده و گیر بده.» به عقیده آنها تیپ مورد نظر مدرسه تپیی بسیجی است که البته مطلوب بسیاری از دانش‌آموزان نیست.

تعریف دانش‌آموزان از پوشش و نوع آرایش مو، موضوعی است که یکی از نقاط تعارض آنها با حکومت هم محسوب می‌شود. در واقع ایدئولوژی پوشش ساده در مدرسه ذیل ایدئولوژی عام‌تر «حجاب اسلامی» می‌گنجد. علی‌رغم تأکیدات رسمی حکومت در درونی ساختن اصل حجاب اسلامی در جامعه، کمتر دانش‌آموزی را بتوان یافت که تعیین حدود پوشش را از اختیارات خاص حکومت بدانند. این موضوع حتی در مورد بیشتر دانش‌آموزانی که خاستگاه مذهبی‌تری دارند یا خود مذهبی‌اند نیز صادق است. به علاوه، در مواردی که تعریف دانش‌آموزان نزدیک به تعریف حکومت از پوشش است باز هم مشاهده شده است که این

نزدیکی به معنای پذیرش لزوم کنترل و صدور دستورالعمل‌های مشخص در این زمینه از سوی حکومت نیست. به عقیده آنها «دولت باید اسلام را تبلیغ کند. در کشور ما که اسلامی است کسی نباید خلاف اسلام عمل کند. چرا در کشورهای دیگر که مسیحی‌اند کسی نمی‌تواند اسلام را تبلیغ کند؟» (مصاحبه با دانش‌آموز سند ۲۱۲). این دانش‌آموزان نه فقط در مورد پوشش بلکه برای حکومت این حق را قائلند که به مردم در مورد امور مذهبی آموزش دهد. اما در اینجا هم تأکید دارند که موضوع مداخله منتفی است. دانش‌آموزی حتی میان احکام فردی و اجتماعی اسلام تمایز قائل می‌شود و اظهار می‌کند که «حکومت نمی‌تواند مردم را در اجرای احکام فردی نظیر نماز خواندن مجبور سازد. اما حکومت اسلامی نسبت به اجرای احکام اجتماعی مسئول است» (مصاحبه دانش‌آموز سند ۲۳۵).

در واقع، این دسته از دانش‌آموزان در برابر قرائت رسمی از پوشش مقاومت می‌کنند. از طرف دیگر به ندرت بتوان دانش‌آموزی را یافت که موافق بی‌بندوباری در زمینه پوشش باشد. به طور کلی می‌توان ذهنیت دانش‌آموزان را در مورد پوشش و نقش حکومت در قبال آن این‌گونه جمع‌بندی کرد که پوشش بخشی از زندگی خصوصی افراد است که البته می‌توان نقشی ارشادی برای دولت یا حکومت در قبال آن قائل شد که به معنای الزام‌آور ساختن پوششی خاص در میان شهروندان نیست.

وجه متمایز زندگی روزمره در مدرسه، خلاقیت دانش‌آموزان در کاربرد امکانات و منابعی است که در اختیار آنها قرار می‌گیرد. نوع مصرف این امکانات معرف پیروی یا امتناع از سرسپردن به قدرت است. کلاس درس، حیاط مدرسه و دستشویی‌ها فضاهایی‌اند که دانش‌آموزان از آن برای لذت‌های خود استفاده می‌کنند. این فضاها به شکلی یکسان مصرف نمی‌شود. دستشویی‌ها جایی است که بیشترین و تندترین سخنان دانش‌آموزی در آن جا دیده می‌شود. دانش‌آموزان حتی از فضای روی میزها و فضاهای موجود بر روی دیوارهای سالن یا حیاط مدرسه هم استفاده می‌کنند. اما نوشته‌های اخیر متفاوت از نوشته‌های موجود در دستشویی‌هاست. در حالی که در دستشویی‌ها سخنان سیاسی، جنسی و دشنام‌ها به ویژه به مدیر مدرسه وجه غالب نوشته‌ها را تشکیل می‌دهد نوشته‌های موجود بر روی میزها وجه احساسی، عشقی، متلک‌های دوستانه و کمتر سیاسی‌اند.

نمونه دیگر از نحوه استفاده دانش‌آموزان از مکان مدرسه برای مقاصد خود، عضویت آنها در تشکل‌های ایدئولوژیک نظیر بسیج مدرسه است. این تشکل از جمله فضاهایی است که نظام آموزش و پرورش با کمک نیروی مقاومت بسیج برای زنده نگهداشتن روحیه بسیجی در جامعه تدارک دیده است. اما اغلب دانش‌آموزان از فضای به وجود آمده به نحو دیگری

استفاده می‌کنند. عضویت در این تشکل، در عمل برای استفادهٔ ابزاری انتخاب می‌شود. اغلب دانش‌آموزان در این تشکل عضوند اما، هم مسئولان بسیج و هم مسئولان مدرسه می‌دانند که عضویت این دانش‌آموزان به چه معناست. برخی مواقع عضویت در بسیج به آنها امکان گریز از فضاهای کسل‌کنندهٔ کلاس را می‌دهد. در مقیاس وسیع‌تر، آنها با عضویت در بسیج امکان گریز از نهادهای الزام‌آورتر حکومت یعنی خدمت سربازی می‌گیرند. عضویت در بسیج اغلب نمونهٔ خوبی برای بررسی نوع متفاوت قرائت مخاطبان از نهادی ایدئولوژیک برخلاف معانی مورد نظر و مرجح صاحبان قدرت است.

صرف عضویت، برای رسیدن به انتظارات دانش‌آموزان کافی است به همین دلیل عضویت در بسیج بسیار بیشتر از سایر تشکل‌ها نظیر انجمن اسلامی در مدرسه است و دیگر آن که آنها به عضویت غیر فعال قناعت می‌کنند. آنها عضو بسیج‌اند اما در عمل در فعالیت‌های آن مشارکت ندارند. تفاوت تعداد اعضای فعال و غیرفعال در بسیج مدارس وجود چنین مسئله‌ای را تأیید می‌کند. به علاوه، عضویت در بسیج به معنای صدور کارت بسیج، شناسایی احتمالی «آنتن‌ها» و جلب اعتماد و حمایت اولیای مدرسه است. بنابر اظهار یکی از دانش‌آموزان گاه کارت بسیج مصارف خارج مدرسه‌ای نیز دارد. آنها در مواردی با نشان دادن این کارت به بسیجیان در کوچه و خیابان از نظم حکومتی می‌گیرند. جالب این جاست که گاه قدرت مستقر، در برابر تقاضا برای عضویت‌ها از سوی دانش‌آموزان و ادار به مقاومت می‌شود و نسبت به ثبت نام همه اقدام نمی‌کند.

ظاهراً، نمره، عنصر اساسی در ایدئولوژی مدرسه و کلاس درس است. به نظر می‌رسد که به واسطهٔ این ایدئولوژی دانش‌آموزان و ادار می‌شوند که کتاب بخوانند و به درس معلم گوش فرا دهند. اما دانش‌آموزان ترفندهای مختلفی را به کار می‌برند تا به شیوه‌ای آسان به نمرات دلخواه خود دست پیدا کنند. یک شیوه، مقاومت در برابر تدریس است. دانش‌آموزان، معلمان دروس به اصطلاح حفظی را وادار می‌کنند که سوالات مهم را همراه با پاسخ‌هایشان از درون متن بیرون کشیده تا آنها مجبور نباشند که تمام کتاب و درس را مطالعه کنند. آنها در این مورد بر خواسته‌های خود اصرار دارند. این در حالی است که اغلب آنها به راحتی می‌توانند در بازار کتاب به کتاب‌هایی دسترسی پیدا کنند که پرسش‌های متن کتاب را با توضیحات کامل در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند. راه‌های دیگری هم برای نمره گرفتن وجود دارد که در قالب معامله اقتصادی بر سر نمره ظاهر می‌شود. در هر دو حالت معلمان در برابر فشارهای دانش‌آموزان تاب مقاومت ندارند. به ویژه در حالت اول که عمومیت دارد دانش‌آموزان به درس معلم گوش نمی‌دهند و به راحتی نظم کلاس را به هم می‌ریزند و بدین

وسيله معلمان را وادار به پذيرش خواسته‌هاي آنها مي‌کنند. اين فشار بر معلم زماني بيشتري مي‌شود که دانش‌آموزان با همدستي مدير مدرسه معلم را وادار به طرح سوالات و ارائه پاسخ‌ها مي‌کنند تا کلاس و مدرسه دچار افت نمره‌اي (که در آموزش و پرورش به افت تحصيلي معروف است) نشود. البته اين پايان کار نيست. ليست نمرات پايان سال هميشه براي تغييرات باز است.

همان طور که گفته شد «گريز از نظام سلطه بدون ترک آن» حاصل خلقيت زندگي روزمره در به کار بستن « هنر همزيستي » با نظام مستقر در مدرسه و در عين حال، استفاده از محصولات آن براي مقاصد خويش است. برخي اوقات دانش‌آموزان معلمان را مجبور مي‌کنند که آنها را از کلاس اخراج کنند اما اين کاري ظريف و ماهرانه‌اي است که با دقت فراوان انجام مي‌شود. وجه مميزه اين شيوه آن است که دانش‌آموز به نقطه تعادل ميان اخراج دائم يا کشيدن کار به دفتر مدرسه و احتمالاً خانواده از يک سو و ماندن در کلاس درس و تحمل فضاي کسل کننده آن از سوي ديگر دست مي‌يابد. بنابر اين، دانش‌آموز در حالي که به خطوط قرمز معلم مربوطه احترام مي‌گذارد، ماندن خود در کلاس را براي معلم غير قابل تحمل مي‌سازد. در واقع معلم دانش‌آموز را از کلاس اخراج نمي‌کند بلکه نوعي پيشنهاد براي ترک موقت کلاس را گوشزد مي‌کند. دانش‌آموز هم مي‌داند که معلم به دو دليل ساده در اخراج دانش‌آموزان به طور مکرر با محدوديت مواجه است. اولاً، تکرار دائم اين عمل، مشروعيت تنبيه را با خطر مواجه مي‌سازد و دوم آن که معلمان دوست ندارند که دائماً خبر اخراج‌هاي آنها به گوش دفتر مدرسه برسد. از اين رو، بسياري از اين اقدامات بي‌سر و صدا و جز در مواقع بحراني بدون مداخله‌ي مديريت و ساير مسؤلان مدرسه انجام مي‌شود. اين دقيقاً جايي است که قدرت با محدوديت مواجه است؛ همان جايي که باب مقاومت و استفاده از امکانات قدرت براي ناکام گذاشتن بازي اوليای مدرسه گشوده مي‌شود.

ديديم که چگونه دانش‌آموزان گفتار رسمي مدرسه در دو بعد انضباطي و تحصيلي را به چالش مي‌کشند و در برابر آن مقاومت مي‌کنند. در برابر مؤلفه سوم ايدئولوژي مدرسه يعني پرورش اخلاق اسلامي هم مقاومت در اشکال مختلف بروز پيدا مي‌کند. در بحث از نوع پوشش در مدرسه و نحوه مواجهه دانش‌آموزان با آن تا اندازه‌اي به اين موضوع پرداخته شد. در موارد ديگر نظير نحوه مواجهه دانش‌آموزان با اجرائي مراسم نماز و مراسم صبحگاهي مقاومت‌ها حتي بيشتري هم ديده مي‌شود. جز در مورد مدرسه شهداي مؤتلفه در مدارس دولتي، دانش‌آموزان از فعاليت‌هاي مذهبي که در اين مدارس برگزار مي‌شود مواردی نظير برنامه‌هاي صبحگاه (شامل تلاوت آياتي از قرآن و دعای فرج) زيارت عاشورا و پيش از همه خواندن نماز

جماعت را به یاد می‌آورند. به نظر می‌رسد که اصرار مدرسه بر خواندن نماز جماعت در مدرسه دانش‌آموزان را بیشتر از سایر مراسم آزار می‌دهد. «اصرار دارن که باید نماز بخونید. نخونید نمره کم می‌کنیم... و... ما که نمی‌دونیم چه جور آدمیه. هر بار یکی می‌آد...» (مصاحبه دانش‌آموزی سند ۱۳۴). «مثلاً [زنگ آخر] معلم نداریم اصرار می‌کنن که بریم نماز خانه و نماز بخونیم» (مصاحبه دانش‌آموزی سند ۱۳۵). البته اصرار مسؤلان مدرسه در برگزاری با شکوه نماز جماعت در این مدرسه با توفیق همراه نیست. در این مورد خاص، دانش‌آموزان درسخوان و به اصطلاح خلاف و تنبل فرقی با هم ندارند. دانش‌آموزی که دوسال قبل را در رشته ریاضی با معدل ۱۹/۵ قبول شده بود اظهار داشت که پارسال برخی اوقات در نماز شرکت می‌کرده ولی امسال هنوز وارد نمازخانه نشده است. وی با اشاره به پارچه‌هایی که در نمازخانه برای تشکیل صف نماز پهن شده اشاره کرد و گفت «می‌بینید که همش سه صفحه» (۱۱۱).^۱ در مدرسه‌ای دیگر مقاومت دانش‌آموزان کار را به جایی کشانده که مسؤلان مدرسه را وادار به نوبت‌بندی کلاس‌ها کرده است. در واقع، در این برنامه، کلاس به جای فرد، مکلف به شرکت در نماز است.

جدول ۳: برنامه اقامه نماز جماعت دبیرستان برادران شهید همت علی

روزهای هفته	کلاس‌های مکلف
شنبه‌ها	کلاس اول ۱/۱ و ۱/۲
دوشنبه‌ها	۱/۴ و دوم
چهارشنبه‌ها	۳/۲ و ۳/۱، ۱/۳

توجه: هر کلاس در طول سال حدوداً ۳۰ جلسه نوبت نماز جماعت دارد. ضمناً، روزهای فرد برای عموم آزاد است.

دانش‌آموزان در حالی مدرسه را ترک می‌کنند که زمان حداقل ۱۵ الی ۲۰ دقیقه را پشت درهای بسته به انتظار می‌گذرانند تا احتمالاً گروهی حداکثر ۵۰ نفره از کل جمعیت حدوداً چند صد نفری دانش‌آموزان این مدارس نمازشان را بخوانند. دانش‌آموزان ظاهراً در آغاز روز هم با چنین اجباری مواجه‌اند. آنان باید ۵ الی ۷ دقیقه از صبح را در صف و به طور منظم، در حالی ایستاده، اجرای مراسمی را نظاره کنند که بیشتر اوقات توجهی به آن ندارند. در دو صبحگاه یکی از این مدارس شاهد این بی‌توجهی بودم. عموماً دانش‌آموزان زمان خود را در

حین اجرای مراسم صرف حرف زدن با یکدیگر یا وول خوردن به این طرف و آن طرف می‌گذرانند. البته برخی از آنها کل فرایند صبحگاه را دنبال می‌کنند. از یکی از دانش‌آموزان پرسیدم که در صبحگاه (روز ۲۸ آذر، روز مشاهده) حاضر بوده یا نه؟ در پاسخ گفته که بله و تمام وقایع آن را که برنامه‌های تکراری هر روز صبح است به یاد می‌آورد. در واقع، اینکه در صبحگاه چه انجام می‌شود را تقریباً تمام دانش‌آموزانی که از آنها راجع به صبحگاه پرسیده شده به یاد می‌آورند چون هر روز تکرار می‌شود. مع هذا نکته اینجاست که آنها علی‌رغم حضور، توجهی به محتوای برنامه‌ها ندارند به همین دلیل از آنچه که در عمل می‌گذرد بی‌اطلاع‌اند. به عنوان مثال دانش‌آموزی که در مراسم صبحگاهی حضور داشته آن قدر سرگرم بوده که از متن صحبت کوتاه مدیر مدرسه در آن روز هیچ چیزی را به یاد نمی‌آورد (مصاحبه دانش‌آموزی سند ۱۳۵).

نتیجه‌گیری

اغلب، تصور می‌شود که نقش مدرسه در جامعه‌پذیری و بازتولید ارزش‌های نظام‌های اجتماعی بسیار جدی است. هدف این نوشتار ابطال این تصور نبوده است؛ اساساً چنین کاری نیازمند تحقیق بسیار گسترده‌تری است. اما، می‌توان با تکیه بر داده‌های کیفی حاصل از این تحقیق به برخی نکات مهم درباره نظام آموزشی دست یافت. همان طور که گفته شد نظام آموزش و پرورش در ایران اهداف و برنامه‌های صریحی را در سطح سازمانی دنبال می‌کند. این اهداف، ضرورتاً کلی و مبهم نیستند بلکه در اغلب اوقات عملیاتی و ملموس‌اند. به عنوان مثال به این اهداف جزئی دقت کنید: دانش‌آموز پس از پایان دوره راهنمایی «ولایت فقیه را به طور اجمال می‌شناسد...»، «فروع دین را توضیح می‌دهد» و ... (اهداف پرورشی نظام آپ. ج.۱.ا.). یافته‌های این تحقیق البته نتایج دیگری را نشان می‌دهند. به عنوان مثال، دانش‌آموزان دبیرستانی مورد مطالعه که در سال سوم دبیرستان مشغول تحصیل بودند اطلاعات دقیقی از موضوعات اعتقادی را نشان ندادند. در مسائل سیاسی هم حداقل اهداف پرورشی نظام آپ. را برآورده نمی‌سازند. به عنوان مثال بیشتر آنها حتی نمی‌دانستند معنای نظام سیاسی چیست چه رسد به مسائل جزئی تر سیاسی. این موضوع البته امری رایج در مدارس دولتی مطالعه شده در این تحقیق بود. از این حیث مدرسه شهدای مؤتلفه که غیرانتفاعی است متمایز از سایر مدارس است.

نکته مهم آن است که مدارس دولتی مطالعه شده دانش‌آموزانی را در اختیار دارند که اولاً، اطلاعات آنها در حوزه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و اجتماعی بسیار اندک است. اگر مفهوم

سواد را کمی عام‌تر تعریف کنیم به نظر می‌رسد که مدرسه‌های دولتی در باسواد کردن فرزندانمان عملکرد چندانی مثبتی ندارند. آنها گاه حتی نمی‌دانند نام رؤسای قوای سه‌گانه کشورشان چیست. در مورد مسائل اعتقادی اوضاع به مراتب بدتر است. دانش‌آموزانی که از مدارس دولتی برای مصاحبه انتخاب شدند بندرت توانستند اصول دین را به یاد آورند و در مورد فروع دین جز دو مورد، هیچ کدام قادر به گفتن آنها نبودند.

بر اساس فرهنگ وازگان مطالعات فرهنگی، به نظر می‌رسد که عدم انطباق دو سطح معنایی ۱ (یا سطح تولید پیام‌های ایدئولوژیک در سازمان آپ.) و سطح معنایی ۲ (سطح مصرف یا رمزگشایی پیام‌ها) وجه مسلط رابطه میان نهاد مدرسه و مخاطبان آن است. وضعیت یاد شده محصول دو پدیده مقاومت یا بی‌اعتنایی دانش‌آموزان نسبت به پیام‌های ایدئولوژیک در مدرسه است. در واقع ما در اینجا با نهادی روبه‌رو هستیم که در آن گفتمان مورد نظر نیروهای مسلط و حاکم، گفتمانی کارآمد محسوب نمی‌شود. در اینجا گفتمان سیاسی - مذهبی حاکم، گاه عرصه را در نزاع گفتمانی، به گفتمان‌های رقیب واگذار نموده است. تأثیر دسترسی‌های گفتمانی و میزان انطباق / عدم انطباق دو سطح معنایی ۱ و ۲ در این تحقیق به تأیید رسیده است. یعنی، هر چه محدودیت دسترسی گفتمانی دانش‌آموزان بیشتر، در نتیجه امکان انطباق بیشتر بوده است. این محدودیت به دلیل اعمال فشار خانواده و گاه به دلیل ضعف مالی و اجتماعی و فرهنگی خانواده به وجود می‌آید. به همین دلیل، انطباق دو سطح مذکور در بین دانش‌آموزان مدرسه شهدای مؤتلفه به دلیل محدودسازی خانواده‌ها، و دانش‌آموزان مدرسه شهدای همت علی در میدان شوش به دلیل ضعف مالی و محدودیت ناشی از آن در دسترسی به منابع گفتمانی مختلف، ملموس‌تر بوده است.

به نظر می‌رسد که باید در مورد کارایی^۱ نهاد مدرسه در بازتولید ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تأمل بیشتری نمود. همان طوری که گفته شد بخشی از این عدم انطباق یا ناکارایی نظام به عدم جدیت مسائل پرورشی در مدارس بزمی گردد. به این معنا که نظام آموزش و پرورش بیشتر درگیر یکدستی و یکپارچگی ظاهری امور است. در بحث شاخص‌ها نشان داده شد که نظام تا چه اندازه نسبت به امر پرورشی حساسیت دارد. وانگهی، امر پرورشی در نظام آموزش و پرورش به نحوی کاملاً یک سوپه تعریف و اجرا می‌گردد. به جرأت می‌توان ادعا کرد که والدین نباید انتظار بسیاری از آموزش‌ها نظیر آموزش اخلاق و رفتار شهروندی، ملی‌گرایی، نظم و انضباط و موارد مشابه را داشته باشند. چون اساساً گفتمان مدرسه علی‌رغم وجود برخی دستورالعمل‌ها در این زمینه دچار غفلتی اساسی است. در بیشتر اوقات برخی مفاهیم

مذکور از طریق کتاب‌ها آموزش داده می‌شود؛ اما موضوع این است که کتاب‌ها در عرصه پرورشی نظام آموزش و پرورش از مرکزیت افتاده است. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان چندان اعتنایی به محتوای پرورشی کتاب‌ها ندارند. آنها کتاب‌ها را ندرتاً برای قبولی پایان سال یا حداکثر برای شرکت در امتحان کنکور مطالعه می‌کنند.

منابع:

- اثباتی، زینت؛ کاظمی، عباس (۱۳۸۳) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از منظر ارزش‌های دینی، ملی و دفاع مقدس، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- آدورنو، تئودور؛ ماکس، هورکهایمر (۱۳۸۴) دیالکتیک روشنگری، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: گام نو.
- استریناتی دومینیک (۱۳۸۰) نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران: انتشارات گام نو.
- امیری، کیومرث (۱۳۷۸) تحلیل محتوای ارزش‌های معرفی شده در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان در سال‌های ۵۶ - ۱۳۵۲ و ۷۶ - ۱۳۷۲، پایان‌نامه فوق لیسانس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
- پیام‌های مندرج در کتب درسی دوره‌های تحصیلی (۷۹ - ۷۸)، (۱۳۷۸) معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس.
- پیام‌های مندرج در کتب درسی دوره‌های تحصیلی (۷۹ - ۷۸)، (۱۳۷۸) معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس.
- دوسرتو، میشل (۱۳۸۲) «قدم زدن در شهر»، ترجمه: شهریار وقفی پور در سایمن دوزینگ (ویراستار)، مطالعات فرهنگی، تهران: انتشارات آینده پویان.
- رضایی، محمد (۱۳۸۵) «چالش‌های بازتولید هژمونی دولت از طریق گفتمان مدرسه»، مجله انجمن جامعه‌شناسی.
- سیر تدوین لایحه نظام آموزش و پرورش از سال ۶۴ لغایت ۸۰، (۱۳۸۰)، وزارت آموزش و پرورش، دفتر معاونت آموزشی.
- طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش)، (۱۳۶۷) سازمان مدیریت برنامه و بودجه.
- طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش)، (۱۳۶۷)، سازمان مدیریت برنامه و بودجه.

- علائی، محمد(۱۳۷۹)تحلیل محتوای کتاب های درسی تعلیمات دینی جدید و قبلی سال اول متوسطه، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه تربیت مدرس.
- عملکرد اعتبارات هزینه‌ای وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۱، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پشتیبانی، دفتر بودجه و تشکیلات، واحد طرح و برنامه.
- عملکرد اعتبارات هزینه‌ای وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۲، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پشتیبانی، دفتر بودجه و تشکیلات، واحد طرح و برنامه.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸) مراقبت و تنبیه، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- گزارش ستاد انقلاب فرهنگی از ۲۲ خرداد ۱۳۵۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۶۲.
- لاجوردی، هاله (۱۳۸۲) بازنمایی زندگی روزمره در سینما [رسالهٔ دکتری] ، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۵۹) انسان تک ساحتی، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۲) وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی آموزش و پرورش
- هال، استوارت(۱۳۸۲) «رمز گذاری / رمز گشایی کفتمان تلویزیونی» در سایمن دورینگ (ویراستار)، مطالعات فرهنگی، تهران: انتشارات آینده پویان.
- Althusser Louis (1971) "Ideology and State Ideological Apparatus" in Lenin and Philosophy and Other Essays(Trans. Ben Brewster), London: New left Books.
- Barker Chris (2003) *Cultural Studies: Theory and Practice*, London: Sage Publication.
- De Certeau Michel (1998) "The Practice Of Everyday Life" In John Storey (Ed.) *Cultural Theory And Popular Culture: A Reader*, London: Prentice Hall.
- Fisk John (1994) *Television Culture*, London: Routledge.
- Fisk John (1998) *Understanding Popular Culture* , London: Routledg.
- Highmore Ben (2002) *Everyday Life And Cultural Theory: An Introduction*, London: Routledge.
- Stake R.(1994)"Case studies " in Norman Denzin and Yvonna S.Linkoln(eds), *Handbook of Qualitative Research*, London:Sage
- Stevenson Nick (1995) *Understanding Media Cultures*, London: Sage.